

## شهید مطهری از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۱

بی شک یکی از چهره های ماندگار در تاریخ معاصر ایران، استاد شهید مرتضی مطهری می باشد، به نحوی که با منش و رفتار بی بدیل خود، نمونه ای یگانه در حوزه روحانیت به شما می آیند که در این بین بزرگان فراوانی در باره ایشان به بیان خاطرات پرداخته اند که از جمله آنان مقام معظم رهبری می باشند.

نقش شهید مطهری در اندیشه اسلامی یک نقش بارز بود. یعنی کم نظیر با بی نظیر بود و بهترین کتاب ها، آن هم در حجم بسیار زیاد در زمینه اندیشه سالم و استوار اسلامی را مرحوم مطهری فراهم کرده و تهیه کرده و نوشته است؛ به نحوی که هیچ یک از متفکرین زمان ما فرآورده ای چون مطهری ندارند. یعنی هستند که از لحاظ کیفیت ممکن است برتر از آقای مطهری باشند اما کمیت کارشان و تنوع کارشان کم است. بعضی از لحاظ کمیت کار، تنوع بیشتر از آقای مطهری دارند. اما نه، کیفیت و عمق کار آقای مطهری را ندارند. تنها کسی که هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت خوبترین فرآورده را تقدیم محیط اندیشه اسلامی کرده، آقای مطهری است. انقلاب ما یک انقلابی بود که از گسترش و نفوذ اندیشه اسلامی در فکر مردم شروع شد. یعنی اگر متفکرین اسلامی در طول ۱۶-۱۵ سال تفکر اسلامی را گسترش نداده بودند، یقیناً این انقلاب به این شکل به وجود نمی آمد، شما دیدید که مردم با دست خالی در مقابل یک قدرت عظیمی ایستادند، این از چه چیز ناشی می شود؟ از احساسات نمی تواند ممکن باشد، از تبلیغات پوچ و تهی از مغز هم ممکن نیست، از یک باور ناشی می شود. این باور اسلامی بود که مردم را این طور می کشاند به صحنه مبارزه، این باور را چه کسانی به وجود آورده بودند؟ این باور را کسانی به وجود آورده بودند که در گسترش اندیشه نوین اسلامی، در طول این ۱۵-۱۶ سال نقش داشتند؛ البته کسانی هم بودند که قبل از این ۱۶-۱۵ سال نقش داشتند که خود مرحوم مطهری از این قبیل بود. اما عمده اش از سال ۴۲-۴۱ به این طرف بود که گسترش و نفوذ تفکر اسلامی به وجود آمد.

مرحوم مطهری جزو کسانی است که قبل از شروع مبارزات نیز در این میدان نقش مهم داشته است. بنابراین وقتی که ما می بینیم اثر آقای مطهری را مستقیماً روی قشرها و غیر مستقیم روی قشرهای بیشتری برای ایجاد یک باور اسلامی و می دانیم که این باور اسلامی بود که مردم را کشاند به صحنه مبارزه و انقلاب ما هم انقلاب مردمی بود، انقلاب حضور مردم در صحنه بود. از این دو سه مقدمه نتیجه می گیریم که آقای مطهری در پیروزی این انقلاب بلکه در به وجود آوردن این انقلاب هم نقش بسیار مؤثر داشتند. اما در مورد حراست از مرزهای ایدئولوژیک و حفظ شعار نه شرقی و نه غربی و به خصوص التقاط زدایی از اندیشه اسلامی، آقای مطهری یک فرد بی نظیر بود. یعنی هیچ کس دیگر را من در حد آقای مطهری الان سراغ ندارم؛ حتی کمتر از آقای

مطهری. غالباً در آن روزهای اختناق که راجع به اندیشه اسلامی بحث می شد، متفکران زیادی بودند؛ نویسندگان، گویندگان، اصحاب فکر و تعمق و مطالعه غالباً برای این که اسلام مترقی نوین را از متون اسلامی در بیاورند با پیشداوری به سراغ اسلام می رفتند. حال یا این پیشداوری غربی بود یا پیشداوری شرقی بود. پیشداوری غربی در آثار و نشووناهای خیلی ها دیده می شود. غالب این آقایانی که مانند آقای مهندس بازرگان که خوب ایشان جزو کسانی است که از قدیم در این زمینه حق بزرگی هم به گردن تفکر اسلامی دارد اما با زمینه های ذهنی غرب گرایانه وارد مسایل می شوند و شما که نگاه می کنید، ایشان مثلاً یکی از هنرهای بزرگش این است که اسلام را تطبیق می کند با دانش غربی. در باد و باران، در مطهرات، در زمینه های اجتماعی و ذهنی هر کدامشان وارد می شود باز با همان بینش غربی وارد می شود. در همین مسایل بعضی دیگر هستند که متقابلاً برعکس با زمینه های فکری مارکسیستی وارد می شوند، مثل مجاهدین خلق، آنها هم در زمینه ی درک مسائل اسلامی کارهای زیادی انجام داده اند؛ اما ذهنشان زمینه های مارکسیستی داشته است. مجاهدین اولیه را می گویم؛ مثل حنیف نژاد که مردم مؤمنی بودند که من ایشان را می شناختم، می دانستم که بسیار آدم های شریفی بودند؛ اینها خودشان معتقد بودند؛ خودشان اظهار می کردند که ما اول مارکسیسم را مطالعه کردیم با زمینه های ذهنی مارکسیسم وارد شدیم و همین بود که خطوط التقاطی شرقی و غربی را به وجود آورد. تنها کسی که در این زمینه خالص و پاک بود از هر دو گرایش، مرحوم مطهری بود؛ به این ترتیب بود که ایشان اولین کسی بود که روی خط التقاط حساس شد؛ من یادم می آید در یک جلسه ای که مرحوم مطهری و مرحوم شریعتی بودند و بنده هم بودم و یک جمعی مستمع، که قرار بود ما برای آنها صحبت بکنیم، به صورت میزگردگونه. در آنجا مرحوم دکتر شریعتی این مطلب را گفت که ما یک دشمن داریم و یک رقیب، دشمن ما تفکر سرمایه داری و امپریالیسم است و رقیب ما مارکسیسم است، یعنی ایشان مارکسیسم را به عنوان یک دشمن تلقی نمی کرد، می گفت رقیب است، البته دکتر خودش ضد مارکسیسم بود، در عین حال تلقی ایشان بود؛ آقای مطهری در همین جلسه در مقابل این حرف ایستاد و گفت، نه این درست نیست، شما دشمن را چه معنی می کنید؟ مارکسیسم هم دشمن است؛ بلکه مارکسیسم به خاطر ریشه های فلسفی ضد خدائی و الحادی آن یک دشمن روشنتر و صریحتری است؛ یعنی ایشان از همان دقایق مسأله نمی گذشت و درست آن ریشه های کار را در نظر می گرفت و لذا ایشان یک خط قاطع ضد الحادی و ضد التقاطی، چه التقاط از شرق و چه التقاط از غرب بود و در این زمینه به نظر من تنها و برجسته ترین کسی است که در این زمینه فعالیت کرده است.

منبع:

\*وائقی، محمد حسین، (مجموعه مصاحبه ها، مقالات، سخنرانیها و... درباره زندگانی و شخصیت شهید آیه الله مطهری)، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.

منبع: تقدس

<https://www.cafetari.kh.com/news/30265/بخامنه-الله-آيت-حضرت-ديدگاه-مطهر-يشهيد>